

کمونیست می پرسد

در باره انفجارهای کرمان

با سیاوش دانشور

صفحه ۴

اسلاموفوبی، مسلمان ستیزی

یک بام و دو هوای سکولاریست ها!

آذر ماجدی

صفحه ۵

بیلبردهای تبلیغ حجاب، اهانت سیستماتیک

و علنی به زنان است!

هاله طاهری

صفحه ۷

۱۷ دی ماه اعدام شدند

فقط برای اینکه یادمان نرود شجاعت یعنی چی!

پروین کابلی

صفحه ۸

تولد فاطمه زهرا و تلاش مذبحخانه برای "رام" کردن زنان

سعید آرمان

صفحه ۹

سرقه "رمز شدن"

سیوان کریمی

صفحه ۳

"انتخابات" دراکولاها

سیاوش دانشور

صفحه ۱۰

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۱

۷۳۲

هکتیست
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۱۵ دی ۱۴۰۲ - ۵ ژانویه ۲۰۲۴

مقاومت و مبارزه زنان بر

سر آزادی ادامه دارد،

جمهوری اسلامی موفق نخواهد شد

سخت گیری و سرکوب و فشار بر زنان برای رعایت حجاب اسلامی از طرف جمهوری اسلامی حد و مرزی نمی شناسد. جنگی تمام عیار را ماههاست جمهوری اسلامی با همه ابزار ممکن برای درهم شکستن مقاومت و مبارزه زنان، برای تحمیل و رعایت دوباره حجاب آغاز کردند. می گویند اینجا کشور اسلامی است و حجاب قانونی است و باید رعایت شود. اما آنچه مشاهده می شود، زنان مقاومت می کنند و گوششان بدهکار نیست. آنطور که می خواهند لباس می پوشند و بدون حجاب در خیابان ها و مراکز خرید ظاهر می شوند. زندانیان سیاسی زن در پشت ملیه های زندان سکوت نمی کنند با شجاعت اعتراض می کنند و تسلیم زورگویی جمهوری اسلامی نمی شوند.

در این مدت رژیم ضد زن و سرکوبگر کم نکردند که صدای زنان را خفه کنند. بی حرمتی و زیر پا گذاشتن شان انسانی زنان، تا دستگیری و زندان و اجرای حکم شلاق توسط جلادان اسلامی به دلیل بی حجابی تا جریمه و ضبط ماشین و تبلیغات ضد زن و مشمنز کننده علیه زنان و تحریک مردان علیه زنان در بیلبردهای تبلیغاتی در رابطه با حسن و رعایت حجاب و فضای اختناق سیاسی که بر زندگی زنان حاکم کرده اند (مراجعه به مقاله هاله طاهری در همین شماره) همه این اقدامات برای سرکوب و کنترل زنان و رعایت حجاب صورت می

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



تسلیم بکشاند و به حیات خود ادامه دهد. به عبارت دیگر آیا مردم دست از مبارزه برای سرنوشتی خواهند کشید. آنچه امروز تغییر کرده، جمهوری اسلامی با سرکوب موفق شد اعتراضات خیابانی و توده ای همچون ماههای اول خیزش ۱۴۰۱ رافروکش دهد اما جامعه و جنبشهای اجتماعی مختلف در اشکال مختلف، اعتراض زنان، عدم رعایت حجاب و گسترش بی حجابی، گسترش اعتراضات کارگری، اعتراض مستمر بازنشستگان، پرستاران بر سر معیشت حتی نسبت به شرایط قبل از خیزش انقلابی گسترش پیدا کرده است و علاوه بر گسترش اختناق و سرکوب فضای اعتراضی و نفرت عمومی مردم بیشتر شده است.

مردم و جنبش های اجتماعی در جستجوی راههایی برای عبور از این شرایط و پیشروی جنبش انقلابی هستند. همه آن فاکتورهایی که جامعه را به این مصاف کشید نه تنها کاهش پیدا نکرده اند، تشدید هم شده اند. فقر، فلاکت، اختناق و عدم باور به اینکه در جامعه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چشم اندازی برای بهبودی در زندگی مردم نیست اعتقاد عمیق جامعه شده است. جمهوری اسلامی موفق نخواهد شد جامعه را به عقب برگرداند، اما پیشروی جنبش انقلابی و مقابله نهایی با جمهوری اسلامی بدون تردید در گرو گسترش جنبش آزادی زن، گسترش اعتراضات کارگری و سراسری شدن و تعمیق مبارزه آنان، گسترش جنبش دانشجویی و فرهنگی است. جامعه با تاثیر از سازمانها و احزاب کمونیست و آزدیخواه راه خود را برای گسترش جنبش انقلابی و سرنوشتی طلبانه باز خواهد کرد.

سر دبیر

مقاومت و مبارزه زنان بر سر آزادی ادامه دارد،

جمهوری اسلامی موفق نخواهد شد!

گیردبا این وصف موفق نشده اند که اهداف ارتجاعی و ضد انسانی خود را به زنان مطابق میل سران مرتجع رژیم تحمیل کنند.

امروز دست نوشته رویا حشمتی در مبدای اجتماعی در رابطه با احضار به دادگاه برای اجرای حکم شلاق به دلیل بی حجابی را خواندم و بشدت تحت تاثیر قرار گرفتم (در پایان این دست نوشته را منتشر خواهم کرد). این نمونه ای از تیپ رشنوها است که به هزاران هستند و تکثیر می شوند که چگونه در مقابل یک مشت آدم متحجر، ضد زن و درنده خوی اسلامی در حین اعمال شکنجه های اسلامی و قرون وسطایی بر بدن او حاضر نشدند عقایدش کوتاه بیاید و آنها را به چالش کشید.

در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ جمهوری اسلامی از زنان ضربه تاریخی بزرگی خورد. تعرضی وسیعی را علیه مقدسات اسلام و جمهوری اسلامی آغاز کردند که دنیا را شگفت زده کرد. حجاب اسلامی سمبل حاکمیت آپارتاید جنسی را در خیابانها به آتش کشیدند و در مدارس و دانشگاهها زیر لگد گرفتند. علیه دین و خرافات به میدان آمدند و جمهوری اسلامی را بی آبرو کردند. صورت مسئله این است که مردم و جنبشهای مختلف اجتماعی برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی به میدان آمدند و رژیمی که برای ادامه بقا با تمام توان به جنگ مردم آمده و خون میریزد و جنایت می کند. سوال این است که آیا جمهوری اسلامی موفق می شود جامعه را میخکوب کند، زنان را به

به نام زن، به نام زندگی، دریده شد لباسی

بردگی

گزارش یک شلاق زنی

امروز صبح از اجرای احکام تماس گرفتن برای اجرای حکم 74 ضربه شلاق. با وکیل تماس گرفتم و با هم رفتیم دادسرای ناحیه 7. از گیت ورودی که رد شدیم حجابم رو برداشتم. وارد سالن شدم. صدای فریاد و ضجه ی زنی از راه پله ها می آمد که داشتن میبردنش پائین. شاید داشتن میبردنش برای اجرای حکم...

وکیل گفت رویا جان دوباره بهش فکر کن. اثراتی که شلاق میذاره تا مدتها می مونه باهات. رفتیم شعبه ی 1 اجرای احکام. کارمند شعبه گفت روسریت رو سرت کن که در دسرنشه. آروم و محرمانه بهش گفتم اومدم بابت همین شلاقم رو بزنید، سر نمیکنم.

تماس گرفتن و مامور اجرای حکم آمد بالا. گفت حجابت را سرت کنو دنبالم بیا. گفتم سر نمی کنم. گفت سر نمی کنی؟! جوری شلاقت که بزنم که بفهمی کجایی. برات یه پرونده ی جدید هم باز میکنم هفتاد و چهار تایی دیگه م مهمونمون باشی. باز سر نکردم.

رفتیم پائین چند تا پسر رو بابت شرب خمر آورده بودن. مرد با تحکم



تکرار کرد مگه نمیگم سرکن؟ نکردم. دوتا زن چادری اومدن و روسری رو کشیدند روسرم. باز درش آوردم و این کار چند بار تکرار شد. بهم از پشت دستتیند زن و روسری رو کشیدند روسرم. از همام پله هایی که زن رو برده بودن رفتیم طبقه زیر هم کف یه اتاقک بود ته پارکینگ. قاضی به

مامور اجرای حکم وزن چادری کنارم و ایساده بودن. زن خیلی واضح متأثر بود. چند باری اخ کشید و گفت میدونم. میدونم.

قاضی معمم به روم خنید. یاد مرد خنزر پنزری بوف کور افتادم. روم رو ازش برگردوندم. در آهنی رو باز کردند. دیوارای اتاق سیمانی بود. یه تخت ته اتاقک بود که دستبند و پابند آهنی به دو طرفش جوش خورده بود. یه وسیله ی آهنی شبیه پایه ی بوم نقاشی بزرگ با جای دستبند و پابند آهنی زنگ زده وسط اتاق، و یه صندلی و میز کوچیک، که روی میز پر از شلاق بود هم پشت در بود. یه اتاق شکنجه ی قرون وسطایی تمام عیار.

قاضی پرید خانم حالت خوبه؟ مشکلی نداری؟



زن گفت خواهش میکنم سرت کن. سرم نکردم و باز کشید رو سرم. توی اطاق قاضی، قاضی گفت ما خودمون خوشحال نیستیم از این قضیه، ولی حکمه و باید اجرا بشه.

جوابش رو ندادم. گفت اگر میخوايد طور ديگه ای زندگي كنيد ميتونيد خارج از كشور باشيد. گفتم اين كشور براي همه ست. گفت بله ولي بايد قانون رو رعايت كرد. گفتم قانون كار خودش رو بكنه، ما به مقاومتون ادامه ميديم. از اطاق اومديم بيرون و روسريم رو درآوردم.

مرسی آقای طاطایی عزیز. اگر همراهی شما نبود تحمل این روزها خیلی سخت بود. و عذر میخوام که موکل سر به راهی نبودم. مطمئنم آدمی به بزرگواری شما درک میکنه. بابت همه چی ازتون ممنوم.

ژن-ژیان-ژازادی

زن- زندگي- آزادی

رویا حشمتی

به نام زن، به نام زندگی، دریده شد لباس

بردگی

انگار که وجود نداره. جوابش رو ندادم. گفت خانم با شما! باز جواب ندادم. مرد مامور اجرای حکم گفت پالتوت رو در بیاور و رو تخت دراز بکش. پالتو و روسریم رو از پایه ی بوم شکنجه آویزون کردم. گفت روسریت رو سر کن! گفتم نمیکنم. قرآنت رو بزار زیر بغلت و بزنی. و روی تخت دراز کشیدم. زن اومد و گفت خواهش میکنم لج بازی نکن. شال رو آورد و کشید رو سرم. مرد از بین دسته ی شلاقهایی که پشت در بود به شلاق چرم مشکی رو بر داشت، دو دور پیچوند دور دستش و اومد سمت تخت.

قاضی گفت خیلی محکم نزن. مرد شروع کرد به زدن. شونه هام، کتفم، پشتم. باسنم، رونم، ساق پام، باز از نو. تعداد ضربه ها رو نشمردم. زیر لب میخوندم با نام زن، به نام زندگی، دریده شد لباس بردگی، شب سیاه ما صحر شود، تمام تازیانه ها تیر شود.....

تموم شد. اومدم بیرون. نداشتم فکر کردن حتی دردم اومده. حقیر تراز این حرفهان. رفتم بالا پیش قاضی اجرای حکم. مامور زن پشت سرم می اومد و مراقب بود روسری از سرم نیفته. دم در شعبه روسریم رو انداختم.

سرق "رمز شدن"

سیوان کریمی



دارند. رمز می شود تا بانی ترور در منطقه، مبدع کشتار انسانهای بیگناه در منطقه، باعث و بانی فقر و فلاکت و نابرابری را به تاریخ بسپارند. رمز می شود تا مردم نفسی بکشند.

مگر نمیگویند که هر سخن جایی دارد. جا و مکان "اسمت رمز می شود" روزنامه جام جم و برای قاسم سلیمانی نیست. این را نمی شود به سرقت برد. اتفاقی نیست که آمهایی به اندازه انگشتان دست از آن مطلع باشند که شما به میل خود بپرید و بدوزید و آب از آب تکان نخورد. "اسمت می شود رمز" صاحب دارد، تاریخ دارد. بیشتر خالقان آن هنوز به سن ۲۰ سالگی شان نرسیده اند. هنوز مرگ عزیزانشان برایشان هضم نشده است. منتظر فرصت اند که کار رژیم اسلامی را یکسر کنند و ثابت کنند که "اسمت رمز شد".

قاسم سلیمانی هر جا پا می گذاشت پیام آور مرگ برای مردم سیویل آن بود. هر جا که رفت جز ترور و جنگ و خشونت اثری باقی نگذاشت. نیروهای نیابتی رژیم اسلامی را سازمان داد، به جان مردم انداخت و آنها را قتل عام کرد. خالق حشد شعبی ها شد و شیرازه جامعه را، هر جا که پا گذاشت، از هم پاشاند. این میراث قاسم سلیمانی بود. برای مردم ایران و خاورمیانه هیچگاه رمز نمی شود بلکه به نمادی برای تحجر، قتل و جنایت تبدیل شد.



تلاش حکومت برای تحریف این تاریخ به جایی نخواهد رسید. این مردم بیش از چهل سال است که توسط رژیم اسلامی و سلیمانی ها در بدترین وضعیت ممکن امنیتی، اقتصادی و سیاسی زندگی می کنند. دیگر

خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ و مرگ ژینا- مهسا امینی با یک اتفاقی عجیب شد که آثار آن ماندنی است. "ژینا گیان تو نامری نوات دمپتیه رمز" (ژینا جان تو نمی میری، اسمت رمز می شود) اولین جمله و تصویری بود که بعد از مرگ مهسا منتشر شد. اتفاق "رمز شدن" اسم ژینا مهسا بود و آثارش که برای همه عیان است. رژیم اسلامی اینبار دست به دامن شعاری شد که آن را تا لبه پرتگاه به زباله دان تاریخ پیش برد، دست به تحریف زد. کاری که رژیم اسلامی در آن استاد است. تاریخ را ورق بزیند به بینهایت مورد می رسد.

از تحریف مقاومت مردم کردستان در "آثار فاخر سینمایی اش"، جعل و تحریف تاریخ، انکار و وارونه کردن تحولات و صداها مورد دیگر. اما این یکی نوبت است.

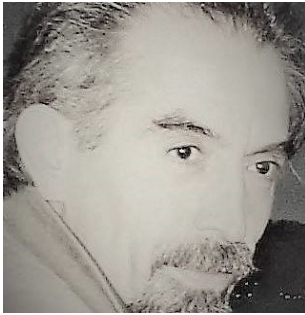
این یکی سرقت در روز روشن است. با قمه و اسلحه و هر کوفت دیگری جلوی یک خیزش انقلابی ایستادند و دزدیدن شعارش است. "نامت می شود رمز" یعنی ژینا مهسا امینی و تمام. همانطور که کثلت می شود قاسم سلیمانی و تمام. امت روزنامه جام جم با وقاحت مثال زدنی این شعار را برای سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی بکار برد و با تیتیر "نامت می شود رمز" به استقبال این روز رفت.

خیزش انقلابی ۱۴۰۱ مبارزه ای برای سرنگونی رژیم اسلامی، علیه فقر و فلاکت و بیکاری، علیه حجاب اسلامی، علیه نابرابری و آپارتاید موجود در جامعه بود. مبارزه ای بود تا دنیا و خاورمیانه را از دست رژیمی که علیه زن است، علیه انسان و برابری آنهاست، علیه شادی و نشاط انسان و جامعه است، رها کند. علیه رژیمی که با ترور و مرگ و کشتار و اعدام انسانها لذت می برد و بال درمی آورد. "اسمت رمز می شود" برای نسلی است که با رژیم اسلامی میلیونها سال نوری فاصله

کمونیست می پرسد

در باره انفجارهای کرمان

با سیاوش دانشور



واقعۀ بهره برداری سیاسی و تبلیغاتی کند، ممکن است به این بهانه به جایی در مرزها چند موشک پرتاب کند و یا تعدادی بیخبر را بعنوان "مسبب داخلی" مجازات کند تا خود را از فشار و توقع نیروهای مؤتلف منطقه ایش برای گسترش جنگ رها کند. اینها اما موقت است و دوام چندانی ندارد. نکته اساسی و مهم برای ما بالا بردن هشاری سیاسی جامعه ایران و جنبشهای

آزادخواه و برابری طلب و انقلابی در مقابل نیروهای متفرقه ارتجاعی و تروریست اعم از دولتی و غیر دولتی است. اگر بدست نیروهای ارتجاعی باشد، میخوانند جامعه را به صحنه جنگ و ترور فرقه ای تبدیل کنند. جامعه بیش از هر زمان در مقابل این تلاشهای فرقه ای و تروریستی نیاز به مصونیت دارد. سیاستهایی از این دست و نیروهای مدافع آن از مخاطرات پروسه سرنگونی اند و باید افشا و منزوی کرد. ما بر بالا بردن آمادگی جنبشها و نیروهای انقلابی تاکید میکنیم. باید در مقابل نیروهای ضد جامعه سدی بست. آزادی مردم ایران از جمله در گرو عقب راندن و جارو کردن نیروهای تروریستی و ضد جامعه و در راس آنها تمامیت جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری-حکمتیست خود را به این امر متعهد میداند.

کمونیست هفتگی: روز پنجشنبه چهارم ژانویه، داعش مسئولیت انفجارهای کرمان را بعهده گرفت. چرا داعش، چقدر واقعی است؟

سیاوش دانشور: ما هیچ ابزاری برای اثبات ادعای داعش یا ادعای اولیه رژیم که بلافاصله انگشت اتهام را بسمت آمریکا و اسرائیل برد نداریم. ضرورتی هم نمی بینیم هرچه آنها میگویند را بعنوان واقعیت مسلم بپذیریم. بخشی از مردم ایران نظر به بی اعتمادی مفرط به حکومت میگویند؛ "کار خودشان است". برای ما هدف این اقدام مهمتر است و اینکه در وضعیت مشخص کنونی برفع کدام نیروها عمل میکند و یا چه امکانات و فرجه هایی را به آنها میدهد. نوع و روش کار بدون تردید به جنبش اسلامی تعلق دارد، حال داعش یا محافلی از خود رژیم، یا ترکیبی از ایندو و یا نیروی سومی که از داعش بعنوان پیمانکار استفاده کرده است. چرا داعش؟ شاید بدلیل ابراز وجود سیاسی بعد از دوره تضعیف و پراکندگی و رقابت با نیروهای رقیب مؤتلف رژیم موسوم به "محور مقاومت". جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین همه نیروهای اسلامی را کم و بیش به تحرك درآورد. داعش و طالبان و سلفی ها و حماس و اخوانی هم تلاش دارند در جنگ و رقابت جریانات اسلام سیاسی موقعیتی پیدا کنند. شبیه این اقدامات تروریستی به تناوب در افغانستان و عراق و کشورهای منطقه صورت میگیرد.

کمونیست هفتگی: برخی عناصر اپوزیسیون راست از این اقدام تروریستی و کشته شدن "هواداران رژیم" ابراز خوشحالی می کنند. این مسئله را چگونه می بینید؟

سیاوش دانشور: پرنسپ های ضد انسانی و ارتجاعی شان را برملا میکنند. "هواداران رژیم" بعنوان نیروی مشخص، اگر در مقابل مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی مقاومت کنند، باید قاطعانه شکست شان داد. اما در منطق و سیاست کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست مجازات جمعی وجود ندارد. مجازات جمعی روش کلاسیک فاشیسم است که ادیان ابراهیمی از جمله اسلام و رژیم اسلامی در آن بد طولایی دارند. برای ما جرم فردی است و باید در دادگاه صالحه اثبات شود. افراد را بخاطر عقایدشان بطور جمعی نمیتوان مجازات کرد. در اپوزیسیون از جمله همین راستهای مورد اشاره شما در موارد مختلفی مثل رژیم اسلامی فکر میکنند، آیا میتوان با همین منطق و بعنوان "هواداران رژیم" از سلب حقوق شان و یا قتل عامشان

صفحه ۵

کمونیست هفتگی: روز چهارشنبه سوم ژانویه، در مراسم چهارمین سالروز کشته شدن قاسم سلیمانی، در شهر کرمان دو انفجار صورت گرفت که در نتیجه آن ۸۴ نفر کشته و حدود ۲۰۰ نفر مجروح شدند. تحلیل حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در باره این واقعۀ چیست؟

سیاوش دانشور: این اقدام بروشنی مصداق یک تروریسم کور است. هدف تروریسم کور کشتن بدون مرز مردم عادی است. هرچه مهیب تر و وحشیانه تر، بهتر! ما با وضعیتی مواجه نیستیم که بعنوان مثال یک جریان مخالف حکومت، حال ارتجاعی یا انقلابی، با دولت و نیروهای نظامی اش درگیر شده و یا به آنها ضربه نظامی زده است. ما با اقدام آگاهانه برای قتل عام مردم غیر نظامی روبرو هستیم. تروریسم کور یک روش جاافتاده جنبش اسلام سیاسی است. از جمهوری اسلامی بعنوان استاد آن تا انواع گروه های دست ساز و نیابتی ساخت دولتهای غربی و دولتهای منطقه؛ طالبان و القاعده و حماس و داعش و الشباب و حزب الله و جهاد اسلامی و جیش العدل و دیگر شاخه های جنبش اسلامی روش شان همین است. انتحار و بمبگذاری در مدرسه و قطار و اتوبوس و مرکز خرید و مسجد و گورستان و بازار. سیاستی فاشیستی با منطق فاشیستی مجازات جمعی و توجیه خرافات مذهبی. این سیاستها و روشها از نظر کمونیسم کارگری و جنبش آزادخواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر، مذموم و وحشیانه و ارتجاعی است و هیچ سنخیتی با روشهای مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و مرفه ندارد.

مضافاً اینکه اوضاع دنیا و منطقه خاورمیانه بهم ریخته تر از هر زمانی است. جنگ و تروریسم به گوشه ای ثابت و یک واقعیت از زندگی مردم در چهارگوشه جهان تبدیل شده است و سیاستهای میلیتاریستی و دست راستی دولتها و تهاجم به حقوق شهروندان با رواج روشهای عهدعتیقی و فاشیستی ترکیب شده است. روندهای متناقضی را می بینیم؛ از سوئی تلاشهایی برای گسترش جنگ در منطقه و از سوی دیگر تلاشهایی برای ممانعت از گسترش جنگ در جریان است، با اینحال شتاب ترورها و حملات نظامی در کشورهای منطقه تندتر از ماههای قبل شدند. در چنین اوضاع شکننده ای هر واقعه جدید میتواند به پیچیدگی بحران و دامنه جنگ کمک کند. ناگهان جمهوری اسلامی از بانیان اصلی تروریسم و ناامنی و جنایت جمعی در منطقه، آنهم در شرایطی که زیر فشار وسیع داخلی ناشی از نخواستن مردم و موقعیت شکننده منطقه ای و بین المللی است، خود را "قربانی تروریسم" معرفی میکند و با موجی از همدردی و محکومیت دولتهای جهان روبرو میشویم. این در شرایطی است که همه میدانند که خامنه ای و شاخه های جنبش اسلامی و خود محکوم کنندگان سرسوزنی برای جان مردم عادی ارزش قائل نیستند و در کارنامه هر کدامشان لیست طولی از جنایت مهیب وجود دارد. حالا خامنه ای کودک کش درست مانند بنیامین نتانیاوهوی کودک کش، از سران کشمکش تروریستی در منطقه، مدعی اند که "قربانی تروریسم" شدند و لذا برای "حق مشروع دفاع از خود" از تروریستها "انتقامی سخت" خواهند گرفت! ما با یک جنگ ارتجاعی تروریستی روبرو هستیم که طی آن تروریستهای دولتی و غیر دولتی و اسلامی، با اتکا به تروریسم کور و نسل کشی و مجازات جمعی، بر طیل توخالی "مبارزه علیه تروریسم" میگویند. جمهوری اسلامی "قربانی تروریسم" نیست، یک منشأ اساسی تروریسم و جنایت در منطقه و جهان است. این دولتها و نیروهای ارتجاعی مؤتلف شان خود بانی ترور و تاجر و گسترش روزافزون آن در منطقه هستند. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی تلاش دارد از این

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

کمونیست می پرسد

در باره انفجارهای کرمان

با سیاوش دانشور

در یک حمله تروریستی ابراز خرسندی کرد؟

کمونیسم کارگری برای برچیدن مناسبات مبتنی بر تبعیض و جنایت کنونی، ارتقای جایگاه و حرمت و حقوق انسانها مبارزه میکند. این حقوق براساس عقیده و تعلق ملی و مذهبی یا لائیک و

ماتریالیست بودن این و آن نیست، براساس انسان و ساکن جامعه بودن است. ما ضد اسلام بعنوان یک ایدئولوژی ارتجاعی و واپسگرا هستیم اما قاطعانه علیه فاشیسمی که "مسلمانان" را مورد هدف قرار میدهد مبارزه میکنیم. ما به هیچ دین و مذهبی باور نداریم اما از آزادی داشتن و نداشتن مذهب دفاع میکنیم. ما با بورژوازی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری قاطعانه مخالفیم اما هیچ بورژوائی را بجرم عقایدش از یک زندگی با حقوق برابر و شرافتمندانه محروم نمیکنیم. کمونیسم کارگری ادامه تاریخ و فرهنگ طبقات ارتجاعی نیست، جنبشی برای رهایی کارگر و انسان محروم از سلطه جامعه طبقاتی و بازگشت به انسانیت خویش است. کمونیسم کارگری نه برای مجازات جمعی بلکه برای رهایی جمعی تلاش میکند.

۴ ژانویه ۲۰۲۳

اسلاموفوبی، مسلمان ستیزی

یک بام و دو هوای سکولاریست ها!

آذر ماجدی

از آغاز "جنگ دو قطب تروریست" فضای جامعه در غرب برای مسلمانان بسیار تنگ تر و سخت تر شده است. تبعیض و خشونت علیه مسلمانان، بدلیل مذهب، افزایش یافته است. تبلیغات رسمی و حاکم عملا تروریسم را با مسلمان تداعی می کند. طی سه ماه اخیر تحریکات ضد مسلمان گسترش یافته است. در تلاش برای توجیه نسل کشی اسرائیل در غزه، هیات حاکمه غرب، بعضا، رسما و علنا قربانیان را نیمه انسان نامیدند. (نخست وزیر دانمارک رسما اعلام کرد که همه انسان ها یکی نیستند؛ نخست وزیر سوئد هم با یک اشتباه لپی اعلام کرد که اسرائیل حق نسل کشی دارد!) اکثریت این قربانیان "مادون انسان" مسلمان هستند؛ این مادون انسان به مسلمان تعمیم می یابد. مساله تبعیض علیه مسلمانان یک مساله جدی است که باید با آن مقابله شود.

مسلمان ستیزی، اسلاموفوبی؟

ترمی که در جامعه برای اشاره به مسلمان ستیزی استفاده می شود، اسلاموفوبی نام گرفته است. این ترم اشتباه برانگیز است. نقد و مخالفت با یک ایدئولوژی، سیاست یا نظر امری کاملا مجاز است. هر کس حق دارد هر نظر، ایدئولوژی یا جنبش سیاسی را نقد کند. آنچه مجاز نیست و نباید باشد، تبعیض سیاسی، اجتماعی و قانونی علیه کسانی است که پیرو آن نظر هستند.

اسلاموفوبی اشتباه برانگیز است، از اینرو که عملا هرگونه نقد اسلام را بعنوان تبعیض جلوه گر و ممنوع اعلام می کند. اسلاموفوبی سلاحی است در دست جنبش اسلامی برای خفه کردن هرگونه صدای منتقد. جالب اینجاست که استفاده از کلمه اسلاموفوبی به جمهوری اسلامی بر می گردد. اما، باید توجه داشت که نقد با تحریک متفاوت است. شاید بعضا تمیز دادن میان نقد مذهب و تحریک مذهبی مشکل بنظر آید.

زمانیکه حکومت یا بخشی از آن به نقد یک مذهب معین می پردازد و پیروان آنرا انگشت نما می کند، این نقد نیست، این تحریک است؛ تحریک تخاصم. بحث نقد مذهب بطور عام و تبلیغ جدایی دین از دولت نیست. بطور نمونه، نخست وزیر ایتالیا، خانم موسولینی اعلام کرد که اسلام با تمدن غرب خوانایی ندارد. این نقد نیست. این تحریک تخاصم در جامعه علیه یک گروه معین است. این شیطان سازی از یک گروه معین است. بیادمان باشد پدر بزرگ ایشان بر این نظر بود که یهودی گری با تمدن غرب خوانایی ندارد.

همچنین در تابستان یک حرکت قران سوزی بویژه در دانمارک و سوئد با همراهی و پشتیبانی کامل دولت و پلیس براه افتاد. این حرکت فضای جامعه را بشدت ملتهب و انفجاری نمود. دولت متبوع این دو کشور قاطعانه از این حرکت پشتیبانی می کردند تا با تهدید بابکوت اقتصادی از طرف دولت های کشورهای مسلمان نشین روبرو شدند؛ بلافاصله



تغییر لحن دادند و برای ممنوعیت این کار لایحه تهیه و تصویب کردند و سریعا قران سوزی ممنوع اعلام شد! جالب است وقتی سود کمپانی ها قران سوزی شان را متوقف کرد، اعلام کردند که سوزاندن کتاب سنت فاشیست ها بوده، کار خوبی نیست! سوالی به ذهن خطور می کند، آیا رابطه ای میان کمپین سازمانیافته قران سوزی و پاکسازی "مادون انسان ها" در غزه توسط "دولت

یهودی" وجود نداشته است؟ آیا این حرکت تلاشی برای گسترش تنش و شیطان سازی وسیعتر از "مسلمانان" در غرب برای آماده سازی ذهنی پذیرش نسل کشی نبوده است؟

اکنون بیش از یک دهه است که یک کمپین سازمانیافته از طرف هیات حاکمه براه افتاده که هر نوع نقد از اسرائیل و یهودیت را بشدت تکفیر و مجازات می کند. بسیاری به دلیل نقد اسرائیل از کار یا دانشگاه اخراج شده اند. در همین شرایط حملات به مسلمانان گسترش یافته است. این شرایط بسیار خطرناک است. تاریخ مملو از جنایات سازمانیافته بر مبنای نژاد، ملیت و مذهب بوده است. در دوران بحران اقتصادی - سیاسی هیات حاکمه جامعه را تکه تکه می کند و بجان هم می اندازد. یک دور یهودی ها به کوره های آدم سوزی فرستاده می شوند، یکبار مسلمانان. آیا تصور کردن چنین روزی سخت است؟

نقد صرفا یک مذهب از موضع قدرت بمعنای تبعیض علیه یک گروه معین در جامعه است. نمونه های تاریخی تراژیک بسیاری موجود است. آنچه در دو دهه اخیر در غرب شاهد بوده ایم، نقد و حمله به اسلام و سکوت کامل و احترام مطلق به یهودیت و اسرائیل. این رابطه خطرناک است و می تواند عواقب ناگوار و تراژیک ببار بیاورد. در حالیکه قران سوزی تشویق می شود، "مسلمانان" مورد تبعیض آشکار قرار می گیرند و با تروریست تداعی می شوند، شما هیچگاه یک کلام ناچیز نیز در نقد یهودیت نمی شنوید. نقد یهودیت تحت عنوان "آنتی سمینیسم" مجازات می شود. طی این پاکسازی انسانی توسط اسرائیل که رسما یک دولت یهودی است، حتی یک کلام در نقد دولت یهودی به گوش نرسید. فقط جنبش اسلامی نقد و اقصاء شد.

باید توجه داشت که غرب در راس آن آمریکا هیولاهای اسلامی را بجان مردم منطقه انداخته است، از جمهوری اسلامی تا طالبان، حماس و القاعده و داعش همه محصول آمریکا هستند. در خاورمیانه توسط آمریکا و غرب شکل گرفته شده اند و به جان مردم منطقه انداخته شده اند. و آنگاه به بهانه جنگ با این هیولاهای دست ساز کل منطقه را به نابودی کشانده اند؛ اسرائیل ژاندارم آن در منطقه نسل کشی براه می اندازد بدون هیچ عواقبی. منظمآ به کشورهای همجوار حمله می کند؛ سوریه، لیبی، لبنان، ایران. این روایت "جنگ با تروریسم اسلامی" بهترین توجیه برای کشتار و ویرانی کل منطقه بوده است. مردم در دست این دو قطب جنایتکار اسیر شده اند.

ممنوعیت نقد یهودیت و اسرائیل

مبارزه با جهل، ارتجاع و خشونت مذهبی

مذهب در هر شکل و فرمی یک نهاد ارتجاعی و یک ستون محکم سرکوب طبقاتی است. باید با نهاد مذهب مبارزه کرد. در شرایط کنونی در جامعه ایران اسلام کاملاً آبرو باخته است. پشم و پیلی اسلام ریخته. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی ایران از این نظر گامی به پیش است. مساله اینجاست که تحریکات ضد مسلمان در غرب و ریاکاری که غرب نسبت به یهودیت و تروریسم یهودی اسرائیل نشان می دهد، موجب اعتبار گیری بخشی از جنبش اسلامی شده است. گفته می شود که طی این سه ماه جنایت و نسل کشی، محبوبیت حماس بعنوان "سازمان جنبش مقاومت" در فلسطین و منطقه دو برابر شده است. این تنبیه دو جانبه مردم فلسطین و منطقه است.

رهایی از ارتجاع مذهبی قطعاً نتیجه یک آگاهی و بیداری است. اما این آگاهی و بیداری حاصل یک جنبش عظیم انسانی، آزادیخواهانه و برابری طلبانه علیه نابرابری نه فقط حقوقی بلکه طبقاتی است. تاریخ جامعه سرمایه داری مملو از جنایت و سرکوب، نسل کشی و برده داری است. یک قرن اخیر شاهد کشتارهای وحشیانه ای ابتدا از یهودیان در کوره های آدم سوزی، و سپس از نسل کشی و پاکسازی قومی فلسطینی ها ظاهراً در پاسخ به بی عدالتی فاشیسم غرب نسبت به یهودیان بوده است. داستان قتل و کشتار پیروان این دو مذهب آیا باید موضوع چند هولوکاست و نسل کشی در تاریخ قرار بگیرد؟

آنچه در این دوره تاریک و خونبار موجب گرما و امید بوده است، یک جنبش عظیم همبستگی و انسانی بین المللی است. این جنبش توانست در این شرایط، روایت حاکم، یعنی روایت یهودی در مقابل مسلمان یا یهودیت در مقابل اسلام را به مصاف بطلد. شرکت وسیع و فعال یهودی نسب ها در این اعتراضات بسیار امید بخش است. باید حجاب مذهب را کنار بزنیم. این جنگی میان یهودی و مسلمان نیست. این پیام با صدای رسا در این جنبش اعتراضی اعلام شده است. بحث بر سر عدالت و انسانیت است. بحث بر سر رهایی از زور و قلدری و سرکوب است. همانگونه که در مطلب پیشین اشاره کردیم پرده دروغ و ریای ایدئولوژیک دریده شده است. چشمان جامعه گشوده شده است. همراه با مسلمان ستیزی رسمی و دولتی، آگاهی به دروغ ها و تحریکات و پروپاگاندا دولتی نزد مردم گسترش یافته است.

در پادکستی شنیدیم یک مرد آمریکایی می گفت: تاکنون تروریست در ذهنم با مرد ریشو تداعی می شد، الان با مردان کت و شلوار کراواتی. جمله ای ساده ولی بسیار گویا و پر معنا.

اسلاموفوبی، مسلمان ستیزی یک بام و دو هوای سکولاریست ها!

آذر ماجدی

اما جالب اینجاست که این فقط رسانه ها و سخنگویان حکومتی نیستند که از اشاره به یهودیت دولت اسرائیل اجتناب می کنند، جنبش رسمی سکولار، سازمان های مختلف سکولار نیز لام تا کام به این مساله اشاره نمی کنند. جنبش سکولار در غرب، سازمان های مختلف سکولار/لایتنیک، سازمان های اومانیست، چهره های شاخص جنبش آنتیستی مانند ریچارد دوکینز که طی سالهای اخیر در نقد اسلام و جنبش اسلامی بسیار فعال بوده اند، در نقد یهودیت و دولت یهودی اسرائیل سکوت کامل اتخاذ کرده اند. آیا این تصادفی است؟

این بهیچوجه تصادفی نیست. سازمان های سکولار در بستر اصلی سیاسی-ایدئولوژیک جوامع غربی قرار دارند. همان روایت را از زاویه سکولاریسم و مذهب بیان می کنند. لذا اتفاقی نیست که طی بیست سال گذشته این جریان فعالانه علیه اسلام و جنبش اسلامی عمل کرده است ولی لام تا کام در نقد یهودیت و دولت یهودی سخن نگفته است. تروریسم اسلامی را بدرست محکوم کرده است ولی از تروریسم دولتی-یهودی اسرائیل سخنی بر زبان نیاورده است. از تروریسم دولتی تقاضا می کند تروریسم اسلامی را بیشتر بکوبد؛ از احزاب مذهبی مانند سوسیال مسیحی برای بایکوت دولت و جنبش اسلامی کمک می طلبد!

برخورد این جریانها به رویدادهای فاجعه بار سه ماه اخیر اگرچه با دیدگاه قابل انتظار از یک جنبش سکولار-اومانیست در تناقض است، اما با روش و تاریخ فعالیت این جنبش و جریان، در انسجام کامل قرار دارد. سه ماه از یک نسل کشی سازمان یافته در غزه می گذرد؛ بیش از بیست هزار نفر کشته شده اند که ده هزار نفر آن کودک اند. ۲ میلیون انسان آواره و دربدر شده اند؛ خانه هایشان، شهر و ده و مدرسه شان توسط ارتش دولت یهودی که با کلام ترات به جنگ اعزام گشته با خاک یکسان شده است ولی حتی یکی از این سازمان ها یا چهره های سرشناس این جنایات و مسبب آنرا محکوم نکرده است.

سازمان سکولار اومانیست های بریتانیا در هفته اول حماس و اسرائیل را یکسان محکوم کرد. ریچارد دوکینز "بیبانه ۷ اکتبر" دوستان بریتانیایی اسرائیل، که خواهان دفاع قاطعانه از اسرائیل شده را امضاء کرده است. و ضمناً در توثیقی اظهار تاسف کرده که در تظاهرات پرو اسرائیلی مبارزه با آنتی سمیت نتوانسته شرکت کند. این مواضع بدنبال نظرات بحث برانگیزی است که ایشان در تحقیر جامعه مسلمان رسماً در مصاحبه های تلویزیونی و در توثیق های مختلف ابراز کرده است. (در یک برنامه تلویزیونی دوکینز با لحن تحقیر آمیزی گفت: اعضای ترینیتی کالج بیشتر از کل مسلمانان جایزه نوبل برده است. زمانیکه مورد نقد قرار گرفت و راسیست خطابش کردند، اعلام کرد که در واقع قصدش مقایسه مسلمانان و یهودیان بوده است!) چنین اظهار نظریه ها، حتی راسیستی تر، نقل و نبات بزرگان آنتیست است که درباره "توهم خدا" می نویسند و در توهم نارسیستی خود غرق اند.

حقیقت آنچنان آشکار است که شرم آور است. این معیار دوگانه، این ریاکاری آشکار را چگونه می توان توجیه کرد؟ ظاهراً بخاطر دفاع از انسانیت، آزادی و برابری از اسلام بیزاریم و علیه اش می جنگیم (که باید باشیم و باید بجنگیم). اما در مقابل یهودیت که به همان ارتجاعی و خشونت اسلام و بیگسان ضد انسان و ضد زن است، سکوت مطلق پیشه می کنیم. تروریسم اسلامی را محکوم می کنیم ولی در مقابل تروریسم دولت یهودی اسرائیل سکوت می کنیم. جنبش رسمی سکولاریست همچون یکی از بازوهای ایدئولوژیک-سیاسی هیات حاکمه غرب عمل می کند.

بیلوردهای تبلیغ حجاب، اهانت سیستماتیک

و علنی به زنان است!

هاله طاهری

میتوانند باشند. پشتیبانی از این نوع اعتراضات زنان در جواب به اهانتهای رژیم به موقعیت و جایگاه زنان، به حقوق زنان همواره از جاذبه و همبستگی وسیعی در سطح جهان برخوردار بوده است که میتوان یکبار دیگر دست بسوی جهان دراز کرد و فراخوان همبستگی داد. کمپینهای متعددی میتوان براه انداخت که بیرون مرزهای ایران را هم بیوشاند و صدای حق طلبانه ای برای همه زنان در کشورهای اسلامزده گردند.

این رژیم با همه توهمات جناحی، همه نیروهای آینی و تسلیحاتی، با همه دم و دستگاهش باید برود و این را زنان و مردان و در صدر آن جنبشهای اجتماعی کارگری و جنبش آزادیخواهانه زنان میتوانند تضمین کنند.

هاله طاهری



و بی غیرتی فاصله تا جهنم". با تصویر دو زن یکی پوشیده و یکی بدون روسری دروازه های بهشت و جهنم را به نمایش گذاشته اند. "حجاب راه رسیدن به خدا"، "بدحجابی زن از بی غیرتی مرد است، زنان با حجاب مرزبانان شرف مردانند". "سیب داریم، انار داریم، عروس با وقار داریم". تصویر کودکی پوشیده با حجاب سیاه با نوشته ای به این مضمون: "در روزگاری که زن را با تن میشناسند، غیرت را بددلی مینامند و باحجاب را امل میدانند تو همچنان فرشته بمان بانوی سرزمین من!" و...

لیست چندش آور این نوع بیلوردها و بنرها به نسبت قدرت و نفوذ نیروهای رژیم و هوادارن مسجد و اردوی حجاب بانان در مناطق مختلف شهرها کم و زیاد است. بسیاری از این بیلوردها و بنرها بدست جوانان خط خطی و پاره شده و با زیر بیلوردها با نشان دادن انگشت وسط بطور جمعی دختران جوان عکس میگیرند و در میدیاهایشان میگذارند. در خیابانها هم روزانه به صدها نمونه حجاب را کنار گذاشته اند. این هم جواب جامعه به این توطئه تبلیغاتی! برآستی که زنده باد زنان و دختران شجاع!

همه این شواهد نشان میدهند که تلاش رژیم برای استقرار طرح حجاب و عفاف و برای عقب راندن زنان در بعد اجتماعی حتی به بازگشت به دو سال قبل دیگر ممکن نیست. رژیم شکست خورده است. سرمایه ای که روی این بازی خطرناک گذاشته بود حتی نتوانست آنها را به بخش کوچکی از امیالشان برساند. آری، این درست که جامعه را بشدت تحت فشار گذاشته اند، جیب خانواده ها و بازاریان را با پلمپ کسب و کار، با جریبه های سنگین خالی کرده اند، زندانها را اشباع کرده اند و فشار و تهدید اعدام و شکنجه و جنایات علیه زندانیان را شدت بخشیده اند، اما وقتی به جامعه، به خیابانها، به مدارس و محافل و محیط کار مینگریم با یک فضا و دنیای دوفاکتو قدرت مردم و قدرت اسلحه و زور روبرو هستیم.

آنچه که در این بیلوردها و بنرها بیشتر و بیشتر عیان میگردد تهاجم خصمانه و توهین روزافزون رژیم است که آشکارا به وجود و به نفس بودن زن رسما و در ملا عام توهین میکنند. مردم از خود خواهند پرسید که این چه دولت و مسئولینی هستند که در ملا عام بخشی از شهروندان جامعه را با گوجه و خیار، با ماشین و با گردوخاک روی ماشین تشبیه میکنند؟ قابل توجه اینکه همه این تبلیغات عملا و به تدریج به عکس خود تبدیل میگردند. جامعه انسانی، بویژه در دو سال اخیر و با چهل و چهار سال تجربه از اراجیف جمهوری اسلامی آگاه تر از آنند که این توهینات را تحمل کنند. مردم خوب میدانند که این توهینات و حمله فقط رو به زنان نیست. کل جامعه مورد اهانت و سرزنش است که چرا فرامین برده وار جمهوری اسلامی و دین اسلام را رعایت نمیکنند. تا همینجا فرجه مهمی است که فعالین و زنان و دختران شجاع و در میدان بر علیه این موج تهاجم کمپین های پر سر و صدا راه بیندازند. یکی از جوانها به این توهین و اهانت های رژیم کار آگاهگرانه فعالین در میان خانواده ها، مردان و جمعهای عمومیست که نشان دهند که برای رهایی از جمهوری اسلامی لازم است که از قیل بپذیریم که زنان و مردان انسانهای برابری هستند و برای این برابری باید بها داد. کار کرد، مبارزه کرد و "رهایی زنان رهایی کل جامعه است، در همه جا به نمایش درآید.

همچنین باید همه اشکال مبارزاتی را به میدان آورد. از مسخره کردن و آتش زدن بیلوردها و بنرها، تا کار آگاهگرانه و کمپین راه انداختن و سازماندهی، همه اینها محتمل است و جا دارد برای آن نیرو جلب کرد. خوشبختانه این نیرو همه جا حضور دارند و میجنگند. زنان، خانواده ها، مردم در خیابانها، در محیط کار، در کارخانه ها، در دانشگاهها و در بیمارستانها و مدارس، همه نیروی این اعتراضات جمعی

صفحه ۶

بیلوردهای تبلیغ حجاب، اهانت سیستماتیک و علنی به زنان است!

هاله طاهری

داستان بیلوردها و بنرهای تبلیغاتی نصب بر جاده های اصلی و در مراکز عمومی شهرها تازگی ندارد. آنچه اینروزها خشم بسیاری از فعالین و خود زنان و دختران جوان در ایران را برانگیخته ابعاد گستاخی و درندگی رژیم در حمله به زنان برای تبلیغ حجاب است. گستاخی هایی که کمتر کشور اسلامزده ای در منطقه به خود جرات داده آنچنان آشکار در خیابانها و مراکز عمومی به حقوق و جایگاه زنان چنگ بزنند. در اوایل براه اندازی طرح حجاب و عفاف پروژه تبلیغاتی از جمله این بیلوردها و بنرها در دستور بود اما در مقایسه با حمله وسیع اوباشان مسلح و کنترل شبانه روزی در مجامع عمومی و محیط کار و دانشگاه و مدارس برای سرکوب زنان و جوانان این طرح هم به آرامی داشت کار خودش را میکرد تا اینکه روز بروز توهین های دهن پرکن از در و دیوار به دستور آتش به اختیارها و شهردارها و مسئولین سپاه وسعت گرفت. بسیاری از بیلوردها رسما مردان را تشویق میکنند که کنترل "زنان خود" را بدست بگیرند. رسما میگویند که زنان اموال شما مردان هستند و بهتر است که از آنها برای خودتان استفاده کنید و نگذارید "بیگانگان" آنها را مورد استفاده قرار دهند. میگویند که مسئولیت تمام و کمال زندگی و تصمیمات زنان با مردان و مسئولیت خانه داری و "خانم خانه بودن" با زنان. هنوز اراجیف خامنه ای در رابطه با اینکه "شغل اساسی شما خانمها خانه داری، فرزنداوری و مادریست" در گوش میلیونها زن و دختر جوان در ایران طنین میزند و قابل هضم نیست. تلاش خامنه ای هم مانند طرح حجاب و عفاف راه بجایی نخواهد برد و جواب او تنها پیش دهه هشتادبیا و زنان حجاب سوز و سازندگان خیزش انقلابیست.

در تمام مراکز رسمی، غیر رسمی، مساجد، سخنرانها و تبلیغات و دادگاه و مجلس حمله وسیعی را علیه زنان براه انداخته اند. رسما به زنان توهین میکنند که بعنوان موجودات خبیث باید مورد نظارت باشند و مهار گردند. صورت و اجزای بدن زنان خطرناک، بیمارزا، و فتنه نمایش داده میشوند. رفتار و حرکات زنان را در همه اشکال، ارتباطات آنها با جامعه را به هر بهانه ای به نقد میکشند و اصول و موازینی را به خورد اجتماع میکنند که همتراز با اسلام محمدی ۱۴۰۰ سال قبل است. از این بخش که کم بیارند سراغ شاعرها و تاریخ نگاران و شخصیت های شناخته شده میروند و مفاهیم عجیب و غریبی را از آنها سر هم میکنند که هیچ خانایی با این شخصیتها یا ندارد و یا بی ربط و صله پینه کرده اند. مثلا در یک بیلوردها فروغ فرخزاد با موهای پوشیده با یک کلاه سیاه، گردن کج و چشمان نیمه باز قطعه ای از شعر او را نصب و به حجاب وصله زده اند. یا اینکه از تולستوی نقل قولی آورده اند به این شکل: "مسبب ازدیاد طلاق در اروپا، تمدن فاسد، اختلالات جنسی و نبودن حجاب است". یا این یکی: "در ایران باستان بی حجابی و برهنگی علامت کنیزان و بردگان جامعه بوده است، و حجاب نماد اشراف و ایرانیان اصیل بوده است" به نقل از ویل دورانت تاریخ نگار آمریکایی در کتاب تاریخ تمدنها.

از احساسات و روابط خانواده ها از یک طرف و رفتار مردسالارانه و کورکورانه بخشی دیگر از جامعه استفاده میکنند که فضایی ضد زن ایجاد کنند مانند این نمونه ها: "حجاب میراث مادر است". در زیر دو شکولات که یکی سر بسته و دیگری باز است و مگس دور آن جمع شده نوشته اند "حجاب مصونیت است". روی بنری در یکی از محلات نوشته اند "در عجب از مردی که برای جلوگیری از خط و خش روی ماشین در کنار خیابان روی ماشینش چادر میکشد ولی دختر و همسرش را بدون چادر در خیابان رها کرده است...". "بین بی حجابی

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



دو انقلابی غذا پخش کردند، درخانه هایشان شمع روشن کردند و بیادشان سرود خواندند.

۱۷ دیماه روز اعدام دو انقلابی محمد مهدی کرمی و محمد حسینی می باشد. دو اعدامی که نامشان بدون شک درکنار بقیه ی اعدامیان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و تاریخ خونین جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

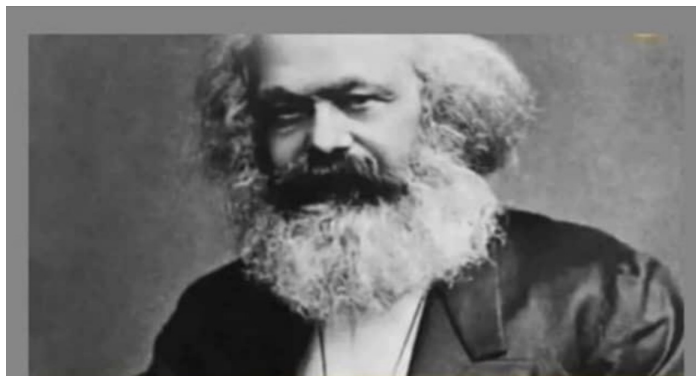
محمد مهدی کرمی ، محسن شکاری ، محمد حسینی ، مهدی رهنمود قهرمانان و فرزندان طبقه زحمتکش و کارگران در ایران هستند. نام عزیزشان و پیامشان روز سرنگونی جمهوری اسلامی بر پرچم های سرخ بردوش خروش انقلابی زحمتکشان برای آزادی و برابری حمل خواهد شد.



سرقت "رمز شدن"

سیوان کریمی

نمی‌توانند مهر خود را هر جا که بخواهند بکوبند. جنایت و کشتار هیچ گاه و در هیچ دوره‌ای نماد شکوه و عظمت نبوده و نخواهد بود، بلکه آنچه ماندگار است مبارزه و ایستادگی در برابر خالقان جنایت و کشتار، سلیمانی‌ها و رژیم‌هایی همچون جمهوری اسلامی است. کاری که نسل جوان ایران در برابر جمهوری اسلامی انجام می‌دهد.



کارل مارکس:

«در واقع همه ما انسان بودیم، تا اینکه نژاد اربابان را برید، مذهب جدایمان ساخت، سیاست بینمان دیوار کشید، و ثروت از ما طبقه ساخت!»

۱۷ دی ماه اعدام شدند

فقط برای اینکه یادمان نرود شجاعت یعنی چی!

پروین کابلی

بابا، حکم من اعدامه به مامان چیزی نگو

قسم به دستهای پینه بسته ی پدرم من مجرم نیستم

من مادر محمد حسینی هستم ، جنازه بچه من را بدید.

درچهل حدیث نجفی در ۱۲ آبان، بزرگترین تجمع اعتراضی مردم تهران و شهرکهای اطراف در ارج گذاری از حدیث نجفی این انقلابی و رهبر شجاع شکل می گیرد. این بزرگترین تجمع مردم در خارج از کردستان و سیستان - بلوچستان است. تصاویر عبور مردم مهرشهر و شهرک های اطراف کرج و تهران گواه بر حضور سیل عظیم مردم است. معترضین «آزاد راه کرج - قزوین» را مسدود کرده و با شعار «امسال ، سال خونه ، سیدعلی سرنگونه «نفرت خود را از رژیم نشان می دهند. این راهپیمایی منسجم و بهم پیوسته مردم مورد حمله ی نیروهای سرکوبگر قرار گرفت. بگفته رژیم یک بسیجی کشته و چند نفر از نیروهای دولتی زخمی میشوند. از آنجا که تمام راهها بسته شده، رژیم مجبور به استفاده از هلی کوپتر برای انتقال نیروهای زخمی خود میشود. در این درگیری تعداد زیادی از معترضین از جمله محمد مهدی کرمی و محمد حسینی بازداشت شدند. محمد حضرتی از جمله جوانانی بود که در مراسم چهل حدیث نجفی جانباخت که تا مدتی هویتش معلوم نشد. حمید قره حسنلو و همسرش فرزانه جزو دستگیرشان و متهم به قتل هستند. جامعه پزشکی ایران بعد از انتشار حکم حمید و فرزانه به قویه قضاییه نامه های اعتراضی ارسال می کنند. برای کسانی که احکام اعدام گرفته اند کمپین های وسیعی در سراسر دنیا شکل میگیرد.

تظاهرات کرج در بیخ گوش حاکمیت و مرکز قدرت سیاسی رژیم در چند قدمی تهران اتفاق افتاد و میثوانست بسرعت در بقیه نقاط تهران بزرگ گسترش پیدا کند. رژیم در فکر توطئه های بزرگتری برای سرکوب است. دانش آموزان دبیرستانهای دخترانه جزو فعالین این جنبش هستند که همقدم با دانشجویان و سایر اقشار زحمتکش نیروی اصلی این حرکت در سراسر ایران تشکیل میدهند.

بسیاری از شهرکهای اطراف تهران و کرج جزو مناطق محروم نشین و زحمتکش قرار دارند و در خیزهای شهری سالهای اخیر نقش بازی کرده اند. این برای رژیم قابل قبول نبود. کشته شدن یک بسیجی در جریان این اعتراضات این بهانه را به رژیم داد. دادگاه نمایشی پرونده روح اله عجمیان بسیجی کشته شده در این اعتراض نمایشی برای ترساندن و سرکوب بود. محمد مهدی کرمی و محمد حسینی که شکنجه شده بودند حکم اعدامشان در سراسر ایران طنزین انداخت. بابا، حکم من اعدامه به مامان چیزی نگو. قسم به دستهای پینه بسته ی پدرم من مجرم نیستم

محمد حسینی که حتی یک ستاره در آسمان نداشت نمونه ای از هزاران هزار انسان زحمتکشی است که در جامعه ی امروز ایران کوچکترین شانسی ندارند ، قبل از اعدام پیامش این بود: «مردم مرا فراموش نکنید.»

پیام او به مانند موجی سراسر ایران را فرار گرفت. گوهر عشقی اعلام کرد که مادر محمد است و فرزندانش باید به او تحویل دهند. خانواده ی محمد مهدی کرمی بعد از گرامیداشت فرزندشان بر مزار محمد حسینی جمع شدند و با گلباران و پارچه سرخ یاد او را گرامیداشتند.

این جملات همراه موجی از خشم و تنفر رژیم مردم را در سراسر ایران بر گرفت. مردمی که خود شخصا و یا در امکان مختلف بیاد این



میدان حضور دارند و عزمشان جزم است برای جنگ نهایی با آپارتاید جنسی.

رژیم اسلامی هشت مارس روز جهانی زن بعنوان تلاش برای بردگی زن از نظام نابرابر موجود را جعل کرده و روز "فاطمه زهرا" دختر پیامبر را جایگزین آن کرده‌اند که طی ۴۴ سال گذشته نتوانسته است آن را جا بیاندازد و زنان مبارز و انقلابی را از گرامی‌داشت این روز و بمی‌فدان آمدنشان منع کند.

حزب ما اولین گام رهایی در رسیدن به برابری کامل زنان، برابر با مردان در همه شئون سیاسی و اجتماعی را در هم کوبیدن نظام مستبد آپارتاید جنسی در ایران می‌داند. ما همه آزادیخواهان و برابری طلبان را به رهایی جامعه از قید و بند ظلم و ستیم و نابرابری و پایان دادن به آپارتاید جنسی و ستیم بر زنان فرا می‌خوانیم.

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان آستانه اشرفیه جهت اجرای حکم زندان احضار شده است. این کتنگر مدنی بیشتر از سوی شعبه یازده دادگاه تجدیدنظر استان گیلان به یک سال حبس تعزیری، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و مسدود شدن حساب اینستاگرامی محکوم شده است. او پیشتر گفته بود که احتمال به جریان افتادن حکم هفت سال حبس تعلیقی او وجود دارد، که در این صورت وی مجبور به تحمل هشت سال زندان خواهد شد.

عثمان اسماعیلی فعال کارگری سقز به زندان اوین منتقل شد

در حالی که دادسرای سقز با مرخصی درمانی عثمان اسماعیلی موافقت کرده و قرار وثیقه صادر کرده بود، در مراجعه خانواده و اطرافیان به زندان سقز مطلع می‌شوند این فعال کارگری به زندان اوین تهران منتقل شده است.



اسلام و اسلام زدایی
منصور حکمت
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی‌حقوق و بی‌حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکب‌نش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

تولد فاطمه زهرا و تلاش مذبوحانه برای

"رام" کردن زنان

سعید آرمان

غلامحسین ازهای رئیس قوه قضاییه رژیم اسلامی امروز جمعه ۱۵ دیماه بمناسبت روز فاطمه دختر پیامبر اسلام که از جانب جمهوری اسلامی بعنوان روز زن شناخته شده، در تجمعی از زنان محببه و با حضور تعدادی از برادران مسلمان اندر محاسن "شغل خانه‌داری" برای زنان سخن رانده است. او چنین گفته است،

برخی متاسفانه خانه‌داری را یک نقص تلقی می‌کنند حال آنکه خانه‌داری یک شغل مهم و آینده‌ساز و جامعه‌ساز است؛ قطعاً یک زن می‌تواند کار و تحصیل داشته باشد و باید در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و اداری، نقش آفرینی کند، اما این قبیل موارد نباید سبب شود که ارزش والای خانه‌داری و مادری برای زنان کم‌ارزش جلوه کند.

این اولین بار نیست مقامات رژیم آپارتاید جنسی در هر مناسبتی و به هر بهانه‌ای برای زنان جامعه "نقش آفرینی می‌کنند و نسخه می‌پیچند و قصد دارند زنان را به کنج آشپزخانه‌ها بکشانند و به کارگران بی‌اجر و مزد خانه و تولید فرزند و تر و خشک کردن آنان و رخت شویی برای همسر و فرزندان و پخت و پز و در نهایت کارگران تمام وقت و بدون مزد منزل برای آماده کردن نیروی کار برای سرمایه بدل کنند.

خانه‌داری نقص نیست اما هنگامیکه بعنوان شغل از آن نام می‌برید باید حقوقی برای ایام خانه‌داری تعیین به زنان خانه‌دار و یا بهتر بگویم به زنان فاقد شغل در بیرون از منزل پرداخت شود.

ازهای در ادامه تلاش رهبرش خامنه‌ای برای کشاندن زنان به کنج خانه‌ها و تبدیل کردن آنان به خانه‌دار و آشپز مادام‌العمر خانواده و فرزندآوری برای تولید و باز تولید نیروی کار جامعه و تولید سود و حفظ نظام سرمایه‌داری اسلامی سخن می‌گوید، خامنه‌ای شرط حضور زنان در مشاغل را «محروم نشدن» آن‌ها از مشغله اساسی زنانه یعنی «خانه‌داری و فرزندآوری و مادری» دانست.

خامنه‌ای بر خانه‌داری بعنوان مشغله اساسی زنان تاکید می‌کند. این لپ کلام آپارتاید جنسی حاکم بر ایران است. او در سال ۱۳۹۳ در جلسه‌ای گفت مسئله اصلی بانوان اشتغال نیست، بلکه خانه‌داری و مادری است.

خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ با بمیدان آمدن زنان و به چالش کشیدن قوانین متعفن اسلامی و آپارتاید جنسی در ایران رژیم اسلامی را به وسعت کل ایران و در ابعاد باورنکردنی و غیر قابل تصور سران رژیم وکل نظام را به چالش کشیده و علیرغم بسیج کل نهادهای تبلیغاتی رسانه‌های وابسته، امامان جماعت، گشت‌های حجاب بان و بسیج کل نیروی اوباش مسلح علیه زنان و جریمه‌های سنگین و ممنوع‌الکار کردنها و اخراج از دانشگاه، نه تنها موفقیتی بدست نیآورده‌اند بلکه بطور دو فاکتو عملاً بی‌حجابی و فارغ شدن از حجاب بعنوان بیرق اسلام سیاسی به یک داده بزرگ و غیر قابل برگشت در ایران بدل شده است که سران رژیم آرزوی آنرا دارند که وضعیت حجاب به همان روز قبل از قتل دولتی و وحشیانه ژینا (مهسا) امینی برگردد. رژیم اسلامی از همان اولین هشت مارس (۱۷ اسفند) بعد از بهمن ۱۳۵۷ با مقاومت زنان آگاه که حاضر به پذیرش حجاب نبودند و این روند نه تنها متوقف نشده بلکه امروز شاهد جنبش عظیم زنان هستیم که از هر زمان آگاتر و شفاف‌تر در

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

انتخابات در اکولاها

سیاوش دانشور



"انتخابات" برای طبقه حاکم تنها یک معنی دارد: سنگربندی در مقابل سرنگونی خواهی برای مواجهه با امواج مبارزه انقلابی کارگران و مردم زحمتکش علیه وضع موجود.

مردم رای شان را داده اند، حرفشان را زده اند، حجاب اسلامی سمبل حاکمیت آپارتاید را آتش زده اند، علیه اسلام و صنعت دین پیاخاسته اند، کارگران هر روز علیه طبقه استثمارگر و فاسد سرمایه

دار فریاد می زنند، این جنگی بر سر آینده و بود و نبود جمهوری اسلامی و نظم کنونی است. اینبار بجز مثنی عمه و اکره رژیم کسی در نمایش انتخابات در اکولاها و قاتلین عزیزان ما شرکت نمیکند. مهساها، نیکاهها، مجیدها و ساریناها و هزاران جان شیفته فشرده انتخاب واقعی جامعه ایران هستند. یک نسل و یک طبقه اجتماعی آمده است که از وضع کنونی عبور کند، "انتخابات" خاگریزی برای دوام و بقای رژیم تروریست و آدمکش خامنه ای ها است. مردم انقلابی و کارگران و محرومان روشن است که در نمایش انتخابات زندانیان و شکنجه گران و استثمارگران خود شرکت نمی کنند بلکه آگاهانه رژیم را بر زمین میگویند تا تکرار کنند؛ جمهوری اسلامی نمیخوایم! ایستاده ایم تا پایان!

۵ ژانویه ۲۰۲۴

روز جمعه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ دوازدهمین دوره "انتخابات" مجلس اسلامی همزمان با ششمین دوره "انتخابات" مجلس "خبرگان رهبری" برگزار میشود. خامنه ای و ابواب جمعی حکومت اسلامی با تبلیغ و تطمیع و تهدید بر طبل توخالی شرکت در انتخابات می کوبند. اینبار بحثهای اساسی قدیم تر ما در باره انتخابات موضوعیت ندارد. دوره گذشته است و حقانیت آنها در سطح توده ای و وسیع اثبات شده و جامعه در فاز تماما جدیدی است. اینبار بحث بر سر مضحکه بودن انتخابات کفایت نمیکند، اینبار لازم نیست در مورد منطق "بد و بدتر" جدل کنیم، پرونده اصلاح طلب و اصولگرا و مستضعف پناهی هر باند و جناحی خیلی وقت است بسته شده است. رئیسی قصاب زندانیان سیاسی طی ضعیف ترین مضحکه انتخاباتی که با عدم شرکت گسترده جامعه روبرو شد از صندوق درآورده شد. امروز وعده های پوپولیستی و نمایشهای "ضد فساد" در حکومت سر اپا فاسد با تمسخر مستمعین بدرقه میشود.

صحنه اینست: جنبشها و جامعه ای که برای سرنگونی و دفن رژیم اسلامی بمیدان آمده است و حکومتی که برای بقایش جنایت میکند و خون میریزد. در جامعه ای که آبدستن یک انقلاب اجتماعی و دست اندر کار عمل انقلابی برای سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی است،

اعلامیه حزب حکمتیست - ۴

توافق موقت بعد از مذاکرات امروز در استانداری

عقب نشینی کارفرما همراه با تهدید کارگران

بعد از ظهر امروز شنبه ۹ دیماه ۱۴۰۲، جلسه ای در محل استانداری خوزستان در اهواز بین نمایندگان کارفرما و بانک ملی و نمایندگان کارگران فولاد با حضور استاندار خوزستان و مدیرکل وزارت کار استان برگزار شد. در این مذاکرات توافقی موقت برای بازگشت به کار و اجرای بخشی از مطالبات کارگران امضا شد. مفاد این توافق عبارتند از:

- ۱- پرداخت ۱۰ میلیون تومان علی الحساب تا اسفندماه به منظور اجرای همسانسازی حقوق به حساب کارگران.
- ۲- لغو شدن طرح طبقه بندی مشاغل قبلی، که فقط ده درصد به حقوق ها اضافه میکرد، و بازنگری در همسانسازی حقوق ها تا قبل عید.

همین اندازه عقب نشینی کارفرما با حضور استاندار و مدیرکل وزارت کار استان حاصل قدرت اتحاد و اعتصاب کارگران است. این توافق موقت است و زمان دارد و عدم اجرای آن به معنی لغو توافق است. همینطور خواستهای کارگران وسیعتر است. رفع ممنوعیت از ورود به شرکت همکاران تعلیقی و بازگشت به کار آقای کریم سیاحی، خلع ید از بانک ملی و علی محمدی و نظارت و مشارکت کارگران در امور شرکت از خواستهای کارگران گروه ملی است.

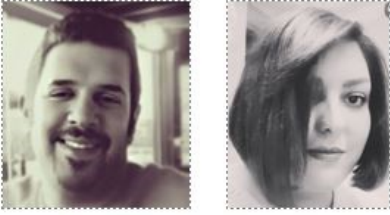
نکته مهم اینست که کارفرما از یکسو عقب می نشیند و از سوی دیگر قصد زهر ریختن دارد. علی محمدی می خواهد علیه کارگرانی که به دفتر معاونت فنی آمدند و وی را از شرکت بیرون کردند شکایت شخصی تنظیم کند. سیاست شکایت بازی یعنی ادامه شرایط قبل تداوم تعرض به کارگران و اینکه به توافقات شان هم نمیتوان مطلقا اعتماد کرد. آنها هر دقیقه ممکن است زیر توافقتشان بزنند، همانطور که هر روز اینکار را کرده اند. بعد از توافق امروز شنبه ۹ دیماه، کارگران سر کار بر میگرددند اما اعلام کردند تا تعیین تکلیف این شکایت و پس گرفتن جلوی درب شرکت تجمع میکنیم.

عقب نشینی کارفرما و ناچار شدنش به پرداخت علی الحساب و اجرای همسانسازی دستمزدها و بررسی مجدد طرح طبقه بندی مشاغل، یک پیروزی مشخص برای کارگران فولاد در مبارزه جاری است. فولادی ها متحد بمیدان آمدند، توانستند درجه ای عقب نشینی به کارفرما تحمیل کنند و متحدتر بیرون بیایند. توافق موقت را اگر کارفرما باز بهم بزند، جواب درخوری باید بگیرد. درود بر رزم و اتحاد کارگران فولاد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۹ دیماه ۱۴۰۲ - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۳

مرگ بر سرمایه داری!



ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

بودن دستمزد، و اریز نکردن سنوات بیمه کارگران مقابل فرمانداری شوش تجمع اعتراضی برگزار کردند. لازم به ذکر است تعداد کارگران شاغل در شرکت فولاد شهرک صنعتی هفت تپه بیش از ۱۵۰ نفر میباشند. روز چهارشنبه ۱۳ دیماه نیز کارگران فولاد هفت تپه مجدداً مقابل درب فرمانداری شهرستان شوش و در اعتراض به حقوقی که ده روز از ماه را پوشش نمیدهد دست به تجمع اعتراضی زدند.

تعطیلی خط تولید صنایع کاغذ دیبا و بیکاری ۳۶۵ کارگر

در ادامه تعطیلی کارخانه‌های تولیدی به دلیل آنچه که «بحران مالی» عنوان می‌شود یک کارخانه با ۳۶۵ کارگر در شوشتر، واقع در استان خوزستان تولید را متوقف و کارگران را بلا تکلیف رها کرده است. یک کارگر کارخانه صنایع خمیر و کاغذ دیبا گفت که بر اساس مصوبه مدیران دولتی در اردیبهشت ۱۴۰۲، بانک ملی به پرداخت ۵۰۰ میلیارد تومان اعتبار به این شرکت مکلف شده بود اما با گذشت هشت ماه از این تصمیم، بانک عامل از پرداخت اعتبار مصوب خودداری می‌کند. به گفته این کارگر، مدیران کارخانه هم به کارگران گفته‌اند به دلیل بحران در تامین مالی کارخانه را تعطیل می‌کنند. کارگران کارخانه صنایع خمیر و کاغذ دیبا که کمتر از یک سال از آغاز به کار خط تولید آن می‌گذرد همگی با قرارداد موقت مشغول به کار بودند و هر یک از یک تا سه ماه دستمزد معوقه دارند.

یک کارگر بیمانی شهرداری مشهد اقدام به خودکشی کرد

این کارگر که نام او فاش نشد ششم دیماه اقدام به خودکشی کرد و به دلیل سوختگی زیاد به بیمارستان منتقل شد. محل کار این کارگر را واحد حفاظت فیزیکی شهرداری مشهد گزارش شده است. مدیر روابط عمومی شهرداری مشهد با تأیید خبر اقدام به خودکشی این کارگر، مدعی شد او «شرایط جسمانی لازم برای کار در حفاظت فیزیکی را نداشته و به دلیل احتمال جابه‌جایی محل کار اقدام به خودسوزی کرده است.» شرایط سخت کاری، اخراج، تأخیر در پرداخت دستمزد در سال‌های اخیر خودکشی را بر کارگران تحمیل کرده است. ۳۰ آنر دو کارگر پتروشیمی چوار ایلام در اعتراض به اخراج از کار اقدام به خودکشی کردند. چهار کارگر این مجتمع نیز در فاصله مرداد ۱۴۰۱ تا مرداد ۱۴۰۲ با خودکشی به زندگی خود پایان دادند.

مرگ یک کارگر بر اثر سقوط در کوره زغال‌سازی

روز سه‌شنبه ۱۲ دی ماه یک کارگر بر اثر سقوط در کوره زغال‌سازی درحالی روستای «بید راویز» رفسنجان جان خود را از دست داد. از قرار معلوم؛ گروه‌های امداد و نجات موفق شدند پس از چند ساعت تلاش، پیکر فرد متوفی را از درون کوره خارج کرده و به عوامل مربوطه تحویل دهند. گفته می‌شود طی سال‌های اخیر به دلیل خشکسالی اخیر برخی کشاورزان و باغداران باغات پسته منطقه رفسنجان به تولید زغال روی آورده‌اند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان

روزیکشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان، بازنشستگان صنایع فولاد مازندران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگیان استان ها تجمع کردند.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی روز یکشنبه ۱۰ دیماه، جمعی از بازنشستگان

اطلاعیه صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز با توجه به مذاکرات صورت گرفته در هشتمین روز از اعتصاب قدرتمند ما، نمایندگان که به واسطه خرد جمعی و با پشتوانه قدرت اتحاد سه‌هزار نفره در جلسه شرکت کرده بودند، توانستیم تاکنون بخش مهمی از مطالبات اعتصاب را به شرح زیر به‌دست آوریم:

اجرای تقریباً نیمی از طرح طبقه‌بندی مشاغل برای تمام کارگران به ارزش ده میلیون تومان ماهانه بصورت علی الحساب تا اجرای کامل طرح.

رفع انسدادهای کارت‌ها و بازگشت به‌کار ۳۸ نفر از همکاران حق طلب تعلیقی.

اختصاص مبلغ یاد شده به کارگران شرکت شفق. رسیدن به این دستاوردهای بزرگ و تحقق بخش قابل توجهی از حق و حقوقمان را مدیون همبستگی مثال زدنی و اعتصاب یکپارچه کارگران شریف و زحمتکش گروه ملی فولاد اهواز می‌دانیم.

با وجود آنکه امروز و پس از جلسه با مقامات درهای ورودی شرکت موقتاً و برای تشکیل مجمع عمومی درباره ادامه اعتصاب باز شد، اما همچنان خطوط تولید راه‌اندازی نشده و اکنون کارگران مجدداً شرکت را ترک کرده و به پشت درهای کارخانه بازگشتند. دلیل این تصمیم، شکایت مدیرعامل از شمار زیادی از همکاران است و تا بازپس‌گیری این شکایت، ما همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد.

علاوه بر این موضوع ما کماکان بر باقی مطالبات خود پافشاری می‌کنیم:

تبدیل وضعیت همکاران شفق از بیمانی به قراردادی

بازگشت به کار کریم‌بیمایی همکار اخراجی
خلع مالکیت شرکت از بانک ملی و مشارکت کارگری در مدیریت همکاران عزیز! با توجه به این بخشی از مطالبات همچنان معوق مانده و مقدار توافق شده نیز به صورت علی‌الحساب می‌باشد، ما همچنان و همچنان بر پیگیری مطالبات اعتراضی خود پافشاری می‌کنیم. به امید پیروزی بر مافیای بزرگ صنعتی و تحقق کامل مطالبات کارگران.

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز
۹ دی ۱۴۰۲

اعتراض کارگران نفت فلات قاره بهرگان، جزیره سیری و سکوی ابوزر

روز جمعه ۸ دیماه کارگران شرکت نفت فلات‌قاره شاغل در بهرگان، روز یکشنبه ۱۰ دی ماه کارگران شرکت نفت فلات قاره ایران شاغل در جزیره سیری و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری و روز چهارشنبه ۱۳ دیماه کارگران شرکت نفت فلات قاره شاغل در سکوی ابوزر و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، در اعتراض به عدم توجه و رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به اعتراض زدند. اهم مطالبات این کارگران حذف نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف‌حقوق، حذف محدودیت حق‌سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک‌پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت می‌باشد.

تجمع کارگران فولاد شهرک صنعتی هفت تپه

روز دوشنبه ۱۱ دیماه کارگران فولاد شهرک صنعتی هفت تپه در اعتراض به وضعیت قرارداد، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و پایین

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

تأمین اجتماعی اهواز و شوش مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۱۱ دیماه ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های تهران، استان کردستان در شهرستان‌های سنندج، قروه، سقز، مریوان و بیجار، آذربایجان غربی، خوزستان، اصفهان، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، گیلان، آذربایجان شرقی، مرکزی، کرمانشاه، فارس، کرمان، همدان، استان لرستان در شهرستانهای خرم‌آباد و بروجرد، زنجان، مازندران، هرمزگان و... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان کشوری

روز سه‌شنبه ۱۲ دی ماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری کرمانشاه، تهران، یزد، اهواز، مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان کشوری دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمات یزد در مقابل استانداری

معلمان خرید خدمات یزد، در ششمین روز متوالی تعطیلی کلاسهای درس، روز شنبه ۹ دیماه، در مقابل استانداری یزد تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع پرستاران و کارکنان درمانی

روز چهارشنبه ۱۳ دی ماه پرستاران و کارکنان درمانی در برابر دانشگاه علوم پزشکی، در اعتراض به پرداخت نشدن عادلانه‌ی تعرفه، کارانه و اضافه‌کار و پایمال شدن حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

چهار زندانی در زندان ارومیه اعدام شدند

سحرگاه روز جمعه هشتم دی ماه، آران عمری، رحمان پرهازو، وفا هناره، و نسیم نمازی در زندان ارومیه اعدام شدند. این افراد همگی در رابطه با پرونده موسوم به "بازجویی از منصور رسولی" که کشمکش بین سرویس‌های اطلاعاتی ایران و اسرائیل است، از بابت اتهام جاسوسی به اعدام محکوم شده بودند. رژیم اسلامی جهت زهر چشم گرفتن از اعتراضات توده‌ای ماشین اعدامش را فعالتر کرده است.

حکم اعدام داوود عبداللہی اجرا شد

حکم اعدام داوود عبداللہی، زندانی اهل مهاباد پس از ۱۴ سال حبس، در زندان قزلحصار کرج اجرا شد. ماه گذشته، حکم اعدام قاسم آبیته و ایوب کریمی، دو تن از هم‌پرونده‌های این زندانی نیز، اجرا شد. در حال حاضر چهار متهم دیگر این پرونده مشترک در زندان محبوس و در معرض خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند.

یک زندانی زیر شکنجه نهاد‌های امنیتی جان باخت

منصور سلامت، شهروند اهل ارومیه، زیر فشار شکنجه دچار "حمله قلبی" شده و جان خود را از دست داد. این شهروند اهل روستای پسان، به دلیل "نگهداری سلاح شکاری" بازداشت شده بود. نهاد‌های امنیتی

شامگاه روز چهارشنبه ۶ دی ماه از طریق تماس تلفنی به خانواده منصور سلامت، اعلام کردند که او به دلیل اضطراب و فشار زیاد دچار سکت قلبی شده و در بازداشتگاه جان باخته است. پیکر منصور سلامت به خانواده تحویل داده شده و روز پنجشنبه در روستای زادگاهش به خاک سپرده شد.

برزین حمزه‌زاده در اثر شکنجه در بیمارستان جان باخت

خبرگزاری‌های حقوق بشری گزارش می‌دهند؛ برزین، اهل سردشت بود که در اثر ضرب و شتم شدید ماموران در دوران بازداشت دچار آسیب دیدگی شدید اعضای داخلی بدن شده بود و پس از ۱۳ ماه، روز ۱۲ دیماه ۱۴۰۲ در بیمارستان جان خود را از دست داد. او در جریان خیزش انقلابی در سن ۱۵ سالگی بازداشت و به مدت یک هفته تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفته بود. برزین حین عمل جراحی در بیمارستان خمینی ارومیه جانش را از دست داده است. او که هر دو کلیه‌اش را بر اثر ضرب و شتم ماموران از دست داده بود، طی یک سال و دو ماه گذشته، چندین بار دچار کاهش سطح هوشیاری و بیهوشی شده و بارها جهت مداوا به پزشک مراجعه کرده بود. ماموران از روز چهارشنبه خانواده برزین را تحت فشارهای شدید قرار داده تا از اطلاع‌رسانی پیرامون قتل فرزندشان خودداری کنند.

جمشید گرگیج به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در زندان جان باخت

جمشید گرگیج، از بازداشت‌شدگان اعتراضات مهر ماه سال گذشته شهر زاهدان، در حالی که بیش از یک سال و سه ماه را در زندان سپری کرده بود، به دلیل عدم اعزام به مرخصی توسط مسئولان زندان پس از وخامت وضعیت سلامتش، جان خود را از دست داد.

توماج صالحی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال زندان محکوم شد

امیر رئیس‌یان فیروزآباد، وکیل توماج صالحی، از محکوم شدن این رپر معترض به یک سال حبس، دو سال ابطال گذرنامه و شرکت در دوره مدیریت رفتار و مهارت دانش به اتهام «تبلیغ علیه نظام» (خبر داد. رئیس‌یان در نامه‌ای سرگشاده به غلامحسین حسینی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی روند رسیدگی به پرونده صالحی را عجیب و غیرعادی خواند و گفت دادگاه انقلاب حکم او را بدون رعایت تشریفات قانونی صادر کرده است. او اضافه کرد جلسه دادگاه «بدون ابلاغ قبلی وقت رسیدگی، بدون رعایت فاصله یک‌هفته‌ای بین ابلاغ و تاریخ جلسه رسیدگی، بدون ابلاغ و احضار وکیل و بدون ابلاغ کیفرخواست» برگزار شد.

سعید یوزی عضو کمیته پیگیری بازداشت شد

روز سه‌شنبه ۵ دی ۱۴۰۲ مأموران اداره اطلاعات به منزل سعیدیوزی یورش برده و وی را بازداشت کردند. از وضعیت وی تاکنون اطلاعی در دست نیست و خانواده آقای یوزی بشدت نگران هستند. سعید یوزی از فعالین کارگری و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری می باشد که بارها از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

انتقال شریفه محمدی، فعال کارگری به زندان سنندج

با گذشت سه هفته از بازداشت و بی‌خبری از وضعیت شریفه محمدی، فعال کارگری محبوس در زندان لاکان رشت، روز گذشته او از زندان سنندج با خانواده‌اش تماس گرفته است. شریفه محمدی، چهاردهم آذرماه در حال رفتن به محل کار خود بازداشت شد. طی ۲۶ روز بازداشت، او تنها دو بار با خانواده تماس داشته است. بازپرس شعبه ۴ دادسرای رشت، همسر او را برای پیگیری پرونده‌اش نپذیرفته و مانع ورود او به دادسرا شده است. سیروس فتحی همسر این فعال کارگری در صفحه شخصی خود از تماس شریفه محمدی از زندان سنندج خبر داده و از وضعیت بلاتکلیف پرونده او ابراز نگرانی کرده است. این انتقال بدون هرگونه اطلاع‌رسانی به خانواده و وکیل این زندانی صورت گرفته است که با تضییع حقوق اساسی او همراه بوده است.

احضار پیمان فرهنگیان جهت اجرای حکم زندان

پیمان فرهنگیان، شاعر و فعال کارگری اهل کیشهر با دریافت احضاریه‌ای از سوی شعبه اجرای احکام کیفری

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!